

## علل تقدم زن در تشرف به تکلیف از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

علی یحیایی: عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد بندر انزلی

### چکیده

موضوع «علل تقدم زن در تشرف به تکلیف» یکی از مباحث مهم حقوق زنان می باشد و با وجود مطالعات گسترده پیرامون آن در بحث از «بلوغ» از سوی فقها و حقوق دانان هنوز طرح بحث آن تازه بوده و توجه انسان را به خود معطوف می -دارد. نگارنده در این نوشتار با تکیه بر فقه و حقوق اسلامی به بررسی موضوع مذکور پرداخته است.

### مقدمه

یکی از حسّاس ترین و مرموز ترین مراحل و دوره های زندگی هر انسانی، دوره ی بلوغ اوست.

بلوغ در حقیقت تولد تازه ای است که صغیر را از محیط کودکی به دنیای بزرگ جوانی وارد می کند. در این دوره به موازات رشد سریع استخوان ها و عضلات و اعضای داخلی بدن، قوای هوشی و فکری او نیز تحول و دگرگونی کلی می یابد. این حالت در بسیاری از جوامع و مکاتب، آغاز مسؤولیت و لیاقت فرد برای ورود در صحنه ی اجتماع به شمار می رود. این دگرگونی عمیق روحی و جسمی در انسان، توجه دانشمندان مختلف را به سوی خود خواننده و متخصصان هر فن با توجه به محدوده ی تخصص خود از این موضوع بحث نموده اند. اگر چه مباحث مربوط به بلوغ نزد روان شناسان، جامعه شناسان، عالمان علوم تربیتی و دیگر دانشمندان به نوبه ی خود مفید و قابل مطالعه و امعان نظر است، ولی آنچه توجه ما را به خود جلب نموده، مباحث مربوط به این موضوع در نگاه فقها و حقوق دانان است؛ زیرا حقوق دانان به لحاظ این که انسان بالغ، متعهد و مسؤّل است و بر اعمال او آثار حقوقی اعم از مدنی و کیفری، مترتب می گردد، به مسأله بلوغ توجه دارند و فقها هم از آن جهت که بلوغ را آغاز تکالیف شرعی می -دانند، درباره ی بلوغ و آثار و نشانه های آن و نیز احکام مترتب بر آن سخن گفته اند. از این رو از معنی لغوی و اصطلاحی بلوغ، پیشینه سن بلوغ در قانون مدنی و سن بلوغ در فقه بحث می نماییم تا سرانجام «علل تقدم زن در تشرف به تکلیف از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی» مشخص گردد.

## گفتار نخست: معنی لغوی و اصطلاحی بلوغ

بلوغ در لغت به معنی رسیدن و درک کردن چیزی است<sup>۱</sup> و در اصطلاح حقوقی

بلوغ عبارت است از رسیدن انسان به مرحله ی کمال طبیعی که در آن قوای جسمی و غریزه جنسی او رشد کافی یافته و شخص برای ازدواج و توالد و تناسل آمادگی پیدا می کند.<sup>۲</sup> بنابراین می توان گفت معنای اصطلاحی بلوغ از معنای لغوی آن دور نیفتاده و بین آن دو ارتباط و نزدیکی دیده می شود.

در فقه، فقهای امامیه برای بلوغ نشانه ها و علایمی ذکر نموده اند که برخی از این نشانه ها، طبیعی و خارجی بود و برخی دیگر نیز شرعی و قراردادی است. مجموعه این علایم به صورتی است که می توان آنها را به دو دسته تقسیم نمود.

الف - برخی از علایم بلوغ جزو نشانه های اصلی بلوغ بوده که شخص با تحقق هر یک از آن علایم در او، دارای صفت بلوغ گردیده و بالغ می شود.

نشانه های اصلی بلوغ عبارتند از:

- ۱ - روییدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی زن و مرد.
- ۲ - احتلام یعنی بیرون آمدن منی از مخرج معتاد از زن و مرد.
- ۳ - پایان پانزده سال قمری در پسر و نه سال قمری در دختر.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، (تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ج ۴، ص ۴۹۸۹؛ محمد، معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۷۶؛ جمال الدین محمد بن مکرّم، ابن منظور، لسان العرب، (بیروت، دار صادر، ۱۹۹۷ م.)، ج ۱، ص ۲۴۶؛ احمد بن محمد بن علی، المقری الفیومی، المصباح المنیر، (قم، موسسه دار الهجرة، ۱۴۰۵ ه. ق.)، ج ۱، ص ۶۱.

<sup>۲</sup>- ر. ک: سید حسن، امامی، حقوق مدنی، (تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶)، ج ۵، ص ۲۴۴؛ سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها - سمت، ۱۳۷۸)، ص ۱۷۸؛ مهدی، شهیدی، تشکیل قرار دادها و تعهدات، (تهران، مجد، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۲۳۹؛ سید حسین صفایی و اسد الله امامی، حقوق خانواده، (تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۵)، ج ۱، ص ۶۷.

<sup>۱</sup> - نجم الدین جعفر بن الحسن، (المحقق) الحلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، (قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۵ ه. ق.)، ج ۲، ص ۱۱۷؛ محمد حسن، النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، (تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹)، ج ۲۶، ص ۵ - ۳۸؛ احمد، (المقدّس) الاردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.)، ج ۹، ص ۱۸۵ - ۱۹۲؛ یوسف، البحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة

ب - برخی دیگر از نشانه ها ، جزو نشانه های اصلی بلوغ نبوده و از علایم فرعی بلوغ به شمار می آید که معمولاً مقارن با بلوغ فرد در او ظاهر می شود مانند درشت شدن صدای مرد و برجسته شدن سینه زن.<sup>۲</sup>

در فقه امامیه بر طبق نظر برخی از فقها بارداری و حمل و نیز قاعدگی و حیض از علایم بلوغ در زن نیست ، بلکه کاشف از بلوغی است که در سابق برای زن حاصل شده است.<sup>۳</sup> از بین نشانه های اصلی بلوغ ، آن چه در قانون مدنی ایران از آن یاد شده و قانون مدنی آن را به عنوان علامت بلوغ پذیرفته است ، نشانه ی سوم است . قانون گذار در تبصره ی یک ماده ی ۱۲۱۰ ق.م. می پذیرد که صغیر با رسیدن به سن معین یاد شده در پسر و دختر ، بالغ می گردد.<sup>۱</sup> در واقع قانون گذار از آنجا که تعیین سن به عنوان اماره ی بلوغ می تواند از برخی از اختلافات احتمالی جلوگیری نماید و نیز اثبات آن نسبت به دو طریق اصلی یاد شده دیگر در فقه امامیه آسان تر است ، رسیدن به سن معین را بردو نشانه ی دیگر بلوغ برتری داده و آن را به عنوان اماره ی بلوغ در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ ق.م. بیان داشته و از ذکر دو مورد دیگر خودداری نموده است و صغیر را در صورت رسیدن به سن معین، بالغ به حساب می - آورد ولو این که هیچ یک از آن دو نشانه طبیعی و خارجی دیگر در او ظاهر نشده باشد.<sup>۲</sup> هر چند که باید پذیرفت در حقوق نیز سایر نشانه های مذکور در فقه امامیه ، از علایم بلوغ بوده و در صورت اثبات آن ، باید فرد را بالغ به حساب آورد .

، (قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، بی تا ) ، ج ۲۰ ، صص ۳۴۴ - ۳۴۸؛ السید روح الله ، ( الامام ) الموسوی الخمینی ، تحریر الوسیله ، (قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق .) ، ج ۲ ، ص ۱۱؛ السید ابوالقاسم ، الموسوی الخوئی ، منهاج الصالحین ، (قم ، مدینه العلم آیه الله العظمی السید الخوئی ، ۱۴۱۰ هـ . ق .) ، ج ۲ ، ص ۱۷۹ .  
<sup>۲</sup> - محمد حسن ، النجفی ، همان ، ص ۵ .

<sup>۳</sup> - الحسن بن یوسف ، الاسدی ( العلامه الحلی ) ، قواعد الاحکام ، (قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۸ هـ . ق .) ، ج ۲ ، ص ۱۳۴ ؛ نجم الدین جعفر بن الحسن ، (المحقق الحلی ، پیشین ؛ محمد حسن ، النجفی ، همان ، ص ۴۲ ؛ زین الدین بن علی ، العاملی (الشهید الثانی ) ، الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة ، ( بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، بی تا ) ، ج ۲ ، ص ۱۴۴ .

<sup>۱</sup> - ماده ۱۲۱۰ ق . م : هیچکس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱ - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است .

تبصره ۲ - اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می توان به او داد که رشد او

ثابت شده باشد .

<sup>۲</sup> - سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده ، پیشین ، ص ۱۸۰ .

به عبارت دیگر قانون گذار قانون مدنی ایران فرض را بر این قرار داده است که در پایان پانزده سال قمری در پسر و نه سال قمری در دختر قوای جسمی و طبیعی و عقلی آن ها تکامل یافته و توانایی ورود در صحنه ی اجتماع و پذیرش مسؤولیت و انجام پاره ای از اعمال حقوقی و قبول تعهد را دارد، از این رو آن ها را ببالغ بیه شمار آورده و تمامی احکام حقوقی را بر آن ها بار نموده است. بنابراین هر فرد می - تواند بلوغ خود را از طریق شناسنامه به آسانی اثبات کند و مردم هم می توانند بدین ترتیب به سن او اعتماد کنند و او را بالغ بدانند.

### گفتار دوم: پیشینه ی سن بلوغ در قانون مدنی

بین حقوق دانان درباره این که آیا سن خاصی برای بلوغ از سوی قانون گذار در قبل از اصلاح موادی از قانون مدنی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ تعیین شده است یا خیر؟ اختلاف است. برخی بر این باورند که قانون گذار سن خاصی را برای بلوغ تعیین نموده است و برخی دیگر این سخن را بر نمی تابند و می گویند با این که قانون گذار صریحاً بلوغ را یکی از عناصر لازم برای اهلیت در کنار رشد و عقل در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ ق. م. معرفی نموده و نیز از صغیر که در مرحله پیش از بلوغ است در مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۱۲ و ۱۲۱۵ تا ۱۲۱۸ ق. م. یاد کرده است، هرگز سن خاصی را برای بلوغ تعیین نکرده است و مراد قانون گذار هم در ماده ی ۱۰۴۱ ق. م. سابق<sup>۱</sup> این بود که به منظور تأمین سلامت و بقای خانواده و جامعه و نیز برای جلوگیری - ری از پیامدهای منفی و ناگوار ازدواج های افراد دارای سنین پایین لازم است که قانون گذار

سنی را برای انجام ازدواج لازم بداند که کسی نتواند در کمتر از آن سن اقدام بیه ازدواج نماید. از این رو قانون گذار در ماده ی مزبور به بیان حداقل سن لازم در امر ازدواج پرداخته است و دیگر مراد قانون گذار از ماده ی ۱۰۴۱ ق. م. این نبود که

سن مذکور را به عنوان سن بلوغ نکاحی معرفی کند تا بخواهند آن را به جهت مغایرت با شرع در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۴ اصلاح کرده و بگویند: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.»<sup>۲</sup> همچنین مراد قانون گذار از سن هیجده سال تمام مذکور در قبل از اصلاح مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ ق. م. صرفاً یک اماره رشد بود و مقصود این نبود که سن هیجده سال را به عنوان سن بلوغ معرفی نماید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - ماده ۱۰۴۱ ق. م. سابق ابراز می دارد: «نکاح انث قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن هیجده سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناً معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به انائی داده شود که کمتر از سیزده سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از پانزده سال تمام دارد.»

<sup>۲</sup> - مهدی، شهیدی، پیشین، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ سید حسین صفایی و اسد الله امامی، پیشین، صص ۶۸ و ۶۹.

در مقابل سخن مزبور، گفته شده که مقصود قانون گذار از سن هیجده سال تمام مذکور در مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ ق.م.ا این بود که سن هیجده سال تمام هم سن بلوغ و هم اماره رشد باشد و در واقع قانون مدنی سن رشد بلوغ را به هم آمیخته بود و هیجده سالگی را دلیل وجود بلوغ قانونی و رشد قرار داده بود و با رسیدن پسر و دختر به هیجده سالگی تمام، آن ها را بالغ و رشید به حساب می آورد و حق اداره امور مالی خود را به آن ها اعطا می کرد و آن ها را دارای اهلیت استیفا در انجام معامله می دانست.<sup>۱</sup>

بر طبق نظریه این دسته از حقوق دانان، قانون مدنی در مورد سن بلوغ، دچار تحول شده است و سن بلوغ را که در قبل از اصلاح آن به صورت یکسان برای پسر و دختر هیجده سال تمام شمسی می دانست، اکنون قانون گذار آن را تغییر داده و سن بلوغ را طق تبصره ی یک ماده ۱۲۱۰ ق.م.ا در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری می داند، و حال آن که طبق نظر اول، قانون مدنی در این امر دچار تحول نشده است؛ چرا که از اول قانون مدنی هرگز در مورد بلوغ، سن خاصی را تعیین ننموده بود تا با تعیین آن در حال حاضر در قانون مدنی مغایرت داشته و دستخوش تحول شده باشد.

#### گفتار سوم: سن بلوغ در فقه

در فقه امامیه، فقها بلوغ را از شرایط درستی عبادات و معاملات دانسته اند و در حقوق نیز از آن در مواد مختلف بحث شده و شرط صحت عمل حقوقی به حساب آورده شده است. با این حال فقها در امر بلوغ نظر واحدی نداشته و سنین مختلفی را برای آن اماره قرار داده اند. آنچه که در بحث تعیین سن بلوغ بیشتر در معرض تضارب آراء بوده، بحث از سن بلوغ دختران است و کمتر فقها در امر بلوغ پسران با یکدیگر اختلاف دارند. از این رو در حقوق نیز حد سنی بلوغ پسران - پانزده سال تمام قمری - با کمترین بحث مورد پذیرش حقوق دانان قرار گرفته است؛ زیرا با توجه به واقعیت های خارجی و تکوینی در پسران که غالباً در این سن دیگر علایم گفته شده در فقه امامیه برای بلوغ، در آن ها تحقق یافته است، نمی توان آن ها را غیر بالغ دانست. اما این امر در دختران به گونه ای دیگر خود را نشان می دهد و بالغ دانستن آن ها در پایان نه سال تمام قمری هر چند که نظر مشهور در فقه شیعه بوده، ولی مورد پذیرش تمامی فقها نبوده است و اکنون نیز برخی از فقها نظرات دیگری را در قبال نظر مشهور ابراز می - دارند.

<sup>۳</sup> - سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده، پیشین، ص ۱۸۴.

<sup>۱</sup> - سید حسن، امامی، حقوق مدنی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۴؛ ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹)، ص ۱۵؛ سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده، همان، ص ۱۷۴؛ مهدی، شهیدی، حقوق مدنی ۳: تعهدات، (تهران، مجد، ۱۳۸۰)، ص ۳۹.

مهمترین نظرات ابراز شده درباره ی سن بلوغ دختران به قرار زیر است :

۱ - نه سال تمام قمری<sup>۱</sup>.

۱- محمد بن الحسن ، الطوسی ، کتاب الخلاف ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۱ هـ . ق . ) ، ج ۳ ، ص ۲۸۲ ؛ محمد بن الحسن ، الطوسی ، المبسوط فی فقه الامامیه ، السيد محمد تقی الکشفی ، ( تهران ، المكتبة المرتضویة ، بی تا ) ، ج ۲ ، ص ۲۸۳ ؛ الحسن بن یوسف ، الاسدی ( العلامة الحلی ) ، قواعد الاحکام ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۸ هـ . ق . ) ، ج ۲ ، ص ۱۳۴ ؛ احمد بن محمد بن فهد ، الحلی ( ابن فهد ) ، المهذب البارع ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۱ هـ . ق . ) ، ج ۲ ، ص ۵۱۵ ؛ محمد بن ادريس ، الحلی ( ابن ادريس ) ، کتاب السرائر ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق . ) ، ج ۱ ، ص ۳۶۷ ؛ نجم الدین جعفر بن الحسن ، ( المحقق الحلی ) ، پیشین ، نجم الدین جعفر بن الحسن ، ( المحقق الحلی ) ، المختصر النافع ، ( قم ، مؤسسه البعثة ، ۱۴۱۶ هـ . ق . ) ، ص ۲۳۱ ؛ علی بن الحسن ، ( المحقق ) ، الکرمی ، جامع المقاصد فی شرح القواعد ، ( بیروت ، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحيا التراث ، ۱۴۱۱ هـ . ق . ) ، ج ۵ ، ص ۱۸۲ ؛ السيد حمزة بن علی بن زهرة ، الحلبي ( ابن زهرة ) ، غنیة النزوع ، ( قم ، مؤسسه الامام الصادق عليه السلام ، ۱۴۱۷ هـ . ق . ) ، ص ۲۵۱ ؛ السيد علی ، الطباطبائی ، رياض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل ، ( بیروت ، دار الهادی ، ۱۴۱۲ هـ . ق . ) ، ج ۵ ، ص ۳۸۴ ؛ زین الدین بن علی ، العاملی ( الشهيد الثاني ) ، مسالك ، الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام ، ( قم ، مؤسسه المعارف الاسلامیه ، ۱۴۱۴ هـ . ق . ) ، ج ۴ ، ص ۱۴۵ ؛ یوسف ، البحرانی ، پیشین ، ص ۳۴۸ ؛ الحسن بن یوسف ، الاسدی ( العلامة الحلی ) ، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ، ( قم ، مکتب الاعلام الاسلامی ، ۱۴۱۶ هـ . ق . ) ، ج ۵ ، ص ۴۵۲ ؛ زین الدین بن علی ، العاملی ( الشهيد الثاني ) ، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ، پیشین ؛ احمد ، ( المقدس ) الاردبیلی ، پیشین ، ص ۱۸۷ ؛ الحسن بن یوسف ، الاسدی ( العلامة الحلی ) ، ارشاد الازهان الی احکام الايمان ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۰ هـ . ق . ) ، ج ۱ ، ص ۳۹۵ ؛ الحسن بن یوسف ، الاسدی ( العلامة الحلی ) ، تذکره الفقهاء ، ( قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث ، ۱۴۱۴ هـ . ق . ) ، ج ۱ ، ص ۲۵۲ ؛ محمد حسن ، النجفی ، پیشین ، ص ۳۸ ؛ محمد بن جمال الدین ، العاملی ( الشهيد الاول ) ، اللمعة الدمشقیة ، ( بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، بی تا ) ، ج ۲ ، ص ۱۴۴ ؛ حسن بن ابی طالب ، الیوسفی ( الفاضل الآبی ) ، كشف الرموز ، ( قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق . ) ، ج ۱ ، ص ۵۵۲ ؛ السيد محمد جواد ، الحسينی العاملی ، مفتاح الكرامة ( بیروت دار احیاء التراث العربی ، بی تا ) ، ج ۵ ، ص ۲۳۸ ؛ محمد باقر ، السبزواری ، کفایة الاحکام ، ( قم ، مهـر ، بی تا ) ، ص ۱۱۲ ؛ جمال الدین المقداد بن عبد الله ،

۲ - سیزده سال تمام قمری<sup>۱</sup>.

۳- سن بلوغ نسبت به امور مختلف یکسان نیست. مثلاً روزه در پایان سیزده سالگی بر دختر واجب است ولی در معاملات سن ده سال به شرط رشد فکری کافی است.<sup>۲</sup>

۴- نه سالگی اماره ی تعبدی بر بلوغ دختران نبوده و نمی توان سن خاصی را برای بلوغ در آن ها به صورت یکسان تعیین نمود و تحقق بلوغ در دختران نسبت به اشخاص و افراد مختلف، متفاوت است.<sup>۳</sup>

با توجه به نظرات مزبور می توان گفت غیر از فقهای دسته ی اول، دیگر فقها قایل به تعبدی نبودن سن بلوغ در دختران بوده و نه سال تمام قمری را یک اماره ی تعبدی و شرعی از سوی شارع نسبت به این امر نمی دانند؛ زیرا از یک سو معتقدند بلوغ دختران یک امر طبیعی و تکوینی است و نه تعبدی و بالطبع نشانه ی آن هم باید طبیعی باشد و تعبد شرعی در چنین زمینه های طبیعی لازم نیست و از سوی دیگر

می گویند اکثر دختران در پایان نه سال قمری به حد بلوغ طبیعی نمی رسند، بنابراین باید بلوغ آن ها را در این سن، بلوغ زودرس دانست. از این رو نه سالگی را اماره بر بلوغ نمی دانند؛ زیرا اماره زمانی می تواند اماره باشد که یا دایمی بوده یا حداقل غالبی باشد<sup>۴</sup> و دایمی یا غالبی بودن بلوغ دختران در نه سال تمام قمری با توجه به آمارهای موجود نسبت به دختران ایرانی که میانگین سن بلوغ در آن ها سیزده سالگی است،<sup>۵</sup> امری است غیر قابل قبول و با نگاه کارشناسانه و تجربی نسبت به آن، نباید آن را پذیرفت. اما با وجود این آمارها و دلالت آن ها بر میانگین سن بلوغ دختران در سیزده سالگی، باز هم فتوای تعداد بسیاری از فقهای معاصر مانند

---

السیوری (الفاضل المقداد)، محمد باقر البهبودی، کنز-العرفان فی فقه القرآن، (تهران، المكتبة المرتضوية، بی تا)، ج ۲، ص ۱۰۲؛ مرتضی، الانصاری، کتاب الصوم، (قم، لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم، ۱۴۱۳ ه. ق.)، ص ۲۱۲؛ محمد حسین، آل کاشف الغطاء تحریر المجلة، (قم و تهران، مکتبه الفیروز آبادی و مکتبه النجاشی، ۱۳۶۱ ه. ق.)، ج ۳، ص ۱۶۷.

<sup>۱</sup> - یوسف، صانعی، رساله ی توضیح المسائل، (قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۷۷)، ص ۵۱۴؛ سید محمد حسن، مرعشی شوشتری، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، (تهران، نشر میزان، ۱۳۷۶)، ص ۲۸.

<sup>۲</sup> - محمد هادی، معرفت به نقل از مهدی مهریزی، بلوغ دختران، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۱۵۴.

<sup>۳</sup> - سید محمد، موسوی بجنوردی، «سن بلوغ دختران»، مجله فرزانه، دوره دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۷۴ به نقل از مهدی مهریزی، همان، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

<sup>۴</sup> - سید محمد حسن، مرعشی، شوشتری، پیشین، صص ۱۳ و ۱۴.

<sup>۵</sup> - به جدول های شماره ۱ و ۲ در آخر مقاله رجوع شود.

قدمای از فقها بر این قرار گرفته است که سن بلوغ دختران نه سال تمام قمری است.<sup>۱</sup> بنابراین شایسته است که در این قسمت از بحث، نگاهی به فقه امامیه و منابع آن داشته تا ببینیم که آیا از نصوص دینی، شرعی و تعبّدی بودن نه سال تمام قمری به عنوان سن بلوغ دختران فهمیده می شود یا خیر؟؛ چرا که فقه امامیه از مآخذ بسیار مهم قانون مدنی است و قانون مدنی هم در قسمت احوال شخصیه تا حدود بسیار زیادی از آن بهره گرفته است. از این رو لازم است مسأله بلوغ را از جهات مختلف ذیل مورد بررسی قرار دهیم.

### الف: بلوغ در قرآن

آیات قرآن درباره بلوغ عبارتند از:

۱- «وَاِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَاذِنُوْا...»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - السيد روح الله، (الامام) الموسوی الخمينی، پیشین؛ السيد ابوالقاسم، الموسوی الخوئی، پیشین؛ السيد عبد الأعلى، الموسوی السبزواری، جامع الاحکام الشرعیة، (قم، مؤسسه المنار، بی تا)، ص ۴۱۹؛ سید محمد رضا، موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، (قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۲)، ص ۳۸۶؛ سید شهاب الدین، مرعشی نجفی، توضیح المسائل جدید، (قم، کتابخانه عمومی معظم له، ۱۳۶۷)، ص ۳۶۸؛ محمد علی، اراکی، رساله ی توضیح المسائل، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۴۱۳؛ السيد محسن، الطباطبائی الحکیم، منهج الصالحین، السيد محمد باقر الصدر (المحشی)، (بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ. ق.)، ج ۲، ص ۱۹۲؛ السيد احمد، الخوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، (قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴)، ج ۳، ص ۳۶۵؛ السيد علی، الحسینی السیتانی، منهج الصالحین، پیشین، ص ۳۳۶؛ محمد تقی، بهجت، رساله ی توضیح المسائل، (قم، دفتر معظم له، ۱۳۷۵)، ص ۳۴۹؛ محمد، فاضل لنکرانی، رساله ی توضیح المسائل، (قم، مهر، ۱۳۷۵)، ص ۴۳۶؛ جواد، تبریزی، رساله ی توضیح المسائل، (بی جا، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۵)، ص ۳۹۶؛ حسین، وحید خراسانی، توضیح المسائل، (قم، مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام، ۱۴۱۹ هـ. ق.)، ص ۵۹۸؛ ناصر، مکارم شیرازی، رساله ی توضیح المسائل، (قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸)، ص ۳۶۵؛ حسین، نوری همدانی، رساله ی توضیح المسائل، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۴۴۷؛ لطف الله، صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، (قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۸ هـ. ق.)، ج ۱، ص ۵۷؛ عبدالکریم، موسوی اردبیلی، استفتائات، (بی جا، انتشارات نجفات، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۷؛ محمد علی، گرامی، رساله ی توضیح المسائل، (بی جا، اعتماد، ۱۳۷۴)، ص ۵۰۸؛ سید علی خامنه ای و سید موسی شبیری زنجانی به نقل از مرکز تحقیقات فقهی قوه قضایه، مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، (قم، مرکز تحقیقات فقهی، ۱۳۸۱)، ج ۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.



ترجمه: «و چون کودکان شما به [ سن ] بلوغ رسیدند ، باید از شما کسب اجازه کنند ...»  
۲- «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أَدْنِكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ...»<sup>۱</sup>

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید ، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [ سن ] بلوغ نرسیده اند ، سه بار [ در شبانه روز ] از شما کسب اجازه کنند...»  
موضوع در این دو آیه ی شریفه « بلوغ حُلُم » و « عدم بلوغ حُلُم » است و حکم هم در این دو آیه ، اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق پدر و مادر می باشد؛<sup>۲</sup> به عبارت دیگر مقصود این است که اطفالی که به مرحله ی « حُلُم » رسیده اند ، باید همیشه به هنگام ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند ، اما کودکان ممیزی که به این مرحله نرسیده اند باید در سه هنگام اجازه ، وارد اتاق پدر و مادر شوند .<sup>۳</sup>

در کتاب لغت و تفسیر « حُلُم » را به زمان بلوغ معنی کرده اند .<sup>۴</sup>  
۳- « وَ ابْتَلُوا الْيَتَمَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ... »<sup>۵</sup>

ترجمه : « و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [ سن ] زناشویی برسند ؛ پس اگر در ایشان رشد [ فکری ] یافتید ، اموالشان را به آنان رد کنید ... »  
موضوع در این آیه ی شریفه « بلوغ نکاح » بوده و حکم آن هم شرایط لازم برای رفع حجر کودکان است . و اما معنای « بلوغ نکاح » آن است که شخص قادر بر مواجهه و انزال باشد والبته احتلام فعلی مراد نیست ؛<sup>۱</sup> به عبارت دیگر شخص قدرت بر ازدواج داشته باشد .<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> - سوره ی نور (۲۴) ، آیه ی ۵۹ .

<sup>۱</sup> - همان ، آیه ی ۵۸ .

<sup>۲</sup> - مهدی ، مهریزی ، پیشین ، ص ۱۵۷ .

<sup>۳</sup> - محمد حسن ، النجفی ، پیشین ص ۲۴ .

<sup>۴</sup> - حسین بن محمد ، الراغب الاصفهانی ، مفردات الفاظ القرآن ، (دمشق ، دار القلم ، ۱۴۱۲ هـ . ق .) ، ص ۲۵۳ ؛ احمد بن محمد بن علی ، المقرئ الفیومی ، پیشین ، ص ۱۴۸ ؛ السید محمد حسین ، (العلامة) الطباطبائی ، المیزان فی تفسیر القرآن ، (قم ، منشورات جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية ، بی تا) ، ج ۱۵ ، صص ۱۶۳ و ۱۶۴ .

<sup>۵</sup> - سوره ی نسا (۴) ، آیه ی ۶ .

<sup>۱</sup> - ابو علی الفضل بن الحسن ، الطبرسی ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ( بیروت ، دارالفکر ، ۱۴۱۴ هـ . ق .) ، ج ۳ ، ص ۱۹ ؛ محمد بن الحسن ، الطوسی ، تفسیر البیان ، ( بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، بی تا) ، ج ۳ ، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ .

۳ - « وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ... »<sup>۲</sup>

ترجمه: « و به مال یتیم - جز به نحوی [ هر چه ] نیکوتر - نزدیک مشوید ، تا به حدّ رشد خود برسد ... »

موضوع در این آیه شریفه « بلوغ اشدّ » است . و مراد از « بلوغ اشدّ » با توجه و دقت در دو آیه ی شریفه دیگر از قرآن کریم ،<sup>۴</sup> مرحله ی پس از دوره ی کودکی و قبل از مرحله ی پیری است ؛ یعنی مرحله جوانی که بین این دو مرحله قرار دارد .

اما در حصول مرحله ی مزبور برای انسان به صورت خاص و متیقّن ، مفسّران دیدگاه واحدی ندارند<sup>۵</sup> و در تعیین سن خاص برای « بلوغ اشدّ » رسید به سن سی سال ، سی و سه سال و چهل سال را بیان داشته اند<sup>۶</sup> و لیکن آنچه « علامه ی طباطبائی » برای مرحله ی « بلوغ اشدّ » برگزیده ، سن هیجده سالگی است .<sup>۷</sup>

ایشان در این خصوص می فرمایند : « بلوغ اشدّ به معنای سنینی از عمر انسان است که در آن سنین قوای بدنی رفته رفته بیشتر می شود و به تدریج آثار کودکی زایل می گردد ، این از سال هیجدهم تا سن کهولت و پیری است که در آن موقع دیگر عقل آدمی پخته و کامل است . »<sup>۸</sup>

و بعد ادامه می دهند : « ظاهراً منظور از آن رسیدن به ابتدای سن جوانی است ، نه اواسط و یا اواخر آن که از حدود چهل سالگی به بعد است . »<sup>۱</sup>

برخی با توجه به آیات چهار گانه مذکور نکاتی را از آن استخراج کرده و می -گویند :  
اولاً در این آیات ، فرق بین بلوغ پسران و دختران گذاشته نشده است و ثانیاً در هیچ کدام از آن ها سن خاصی به عنوان سن بلوغ ذکر نگردیده ، و این آیات ملاک بلوغ را رسیدن به حدّ نکاح و حُلْم و اشدّ قرار داده است که مشخص است تحقق این عناوین متلازم سه

<sup>۲</sup> - ناصر ، مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ( تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ) ، ج ۳ ص ۳۰۷ ؛ محسن ، فیض کاشانی ، تفسیر الصافی ، حسین الاعلمی ، ( بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، ۱۴۰۲ هـ . ق . ) ، ج ۱ ، ص ۴۲۳ .

<sup>۳</sup> - سوره ی انعام ( ۶ ) ، آیه ی ۱۵۲ .

<sup>۴</sup> - سوره ی حج ( ۲۲ ) ، آیه ی ۵ و سوره ی غافر ( ۴۰ ) ، آیه ۶۷ .

<sup>۵</sup> - ابو علی الفضل بن الحسن ، الطبرسی ، پیشین ، ج ۴ ، ص ۱۸۳ .

<sup>۶</sup> - السید محمد حسین ، ( العلامه ) الطباطبائی ، پیشین ، ج ۱۱ ، ص ۱۱۸ .

<sup>۷</sup> - همان

<sup>۸</sup> - محمد حسین ، ( علامه ) طباطبائی ، میزان فی تفسیر القرآن ، سید محمد باقر موسوی

همدانی ، ( قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، بی تا ) ، ج ۱۱ ، ص ۱۵۸ .

<sup>۱</sup> - همان

گانه در انسان، یک امر واقعی و تکوینی است و جنبه ی تعبّدی و شرعی ندارد، بلکه معقول هم نمی باشد که بلوغ به حدّ نکاح و حُلْم و اشدّ را یک امر تعبّدی بدانیم.<sup>۲</sup>

### ب: بلوغ در روایات و نظر فقها

در سابق بیان داشتیم که در مسأله بلوغ دختران، نظر مشهور فقهای امامیه این است که دختران در نه سال تمام قمری بالغ می شوند و تحدید سن آن ها به این مقدار، یک امر تعبّدی و شرعی است. در مقابل نظر مشهور، این نظر است که تحدید سن را یک امر تعبّدی ندانسته، و بلکه بر نشانه های طبیعی و تکوینی بلوغ در دختران تکیه می کند.

از مجموع سخنان دسته ی دوم از فقها، ادله ی ذیل برای اثبات مدّعی آن ها قابل استخراج است:

۱- روایات بلوغ به تعداد زیاد در ابواب گوناگون کتاب های روایی بیان شده است که در برخی از این روایات به هیچ وجه تحدید سن مطرح نشده، بلکه بر علایم و نشانه های طبیعی و تکوینی در بلوغ تکیه شده و در برخی دیگر هم سن خاصی برای بلوغ دختران ذکر شده است.

با استفاده از دسته ی اول از روایات که در آن ها میزان سنی برای بلوغ بیان نشده، می توان گفت ای روایات پایان دوره صغر و آغاز مرحله ی بلوغ را نه به یک امر تعبّدی خاص، بلکه به امر طبیعی و تکوینی می داند و بلوغ هم امری تکوینی و نه تعبّدی است. بنابراین به صورت قهری امر تکوینی - بلوغ - به دنبال یک سن خاص، نمی تواند باشد و باید نشانه و علامت آن هم تکوینی باشد.<sup>۱</sup>

در دسته دوم از روایات بلوغ هم که در آن ها سن خاصی برای بلوغ بیان شده، باید گفت خود نه سالگی معیار و میزان بلوغ قرار داده نشده است، بلکه حیض، علت تحقق بلوغ دانسته شده است و بدیهی است که معلول، دایر مدار علت است و با انتفای علت، معلول هم به دنبال آن منتفی خواهد بود. بنابراین دخترانی که در نه سالگی حیض ندیده اند نمی توان آن ها را با استفاده از این دسته روایات، بالغ دانست، بلکه باید با استفاده از دسته دیگری روایات - که سیزده سالگی را ملاک بلوغ می داند - سیزده سالگی را اماره ی بلوغ در این نوع از دختران بدانیم. به عبارت دیگر از مجموع روایات بیان شده از سوی ائمه اطهار علیهم السلام استفاده می شود که در بلوغ، سن موضوعیت ندارد و بلوغ سنی اماره برای تحقق بلوغ جنسی و غریزی است و تحقق بلوغ جنسی و غریزی هم در سنین مختلف نسبت به اشخاص و افراد مختلف، متفاوت است.<sup>۲</sup> از این رو برخی مقصود از بلوغ را در انسان، بلوغ جنسی می دانند.<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup> - سید محمد حسن، مرعشی شوشتری، پیشین، ص ۱۶؛ مهدی، مهریزی، پیشین، ص ۱۶۴

<sup>۱</sup> - سید محمد، موسوی بجنوردی، پیشین، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.

<sup>۲</sup> - سید محمد حسین، مرعشی شوشتری، پیشین، ص ۲۰.

- ۲- در برخی از روایات در بیان حدّ سن بلوغ تردید شده است؛ بدین معنی که گفته شده نه یا ده سال، یا گفته شده بین چهارده تا شانزده سال و ... اگر قرار باشد که «سن» مبدأ تعبّدی اجرای قوانین باشد، در این صورت چنین تردیدی مناسب شأن و مقام امامان معصوم علیهم السلام نبوده و بر آن ها جایز و روا نخواهد بود.<sup>۴</sup>
- ۳- تحدید سن بلوغ دختران به نه سال تمام قمری از سویی نه در قرآن کریم آمده و نه در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وارد شده است. همچنین این تهدید در سخنان ائمه اطهار تا حضرت امام باقر علیه السلام دیده نمی شود. و از سوی دیگر تشریح با رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پایان یافته و ائمه اطهار علیهم السلام هم حافظ و مبین شرع پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هستند و نه مشرّع.
- بنابراین اگر سن بلوغ دختران به نه سال تمام قمری، یک تشریح دینی بود، لازم بود که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و از زبان مبارک خود آن حضرت بیان می شد. به ویژه این که از مسایل مورد ابتلای زنان آن عصر بوده و وجهی در تأخیر بیان آن و یا اخفای آن از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دیده نمی شود.<sup>۱</sup>
- ۴- با بررسی زمان صدور روایات و ویژگی هایی که دختران آن زمان دارا بودند، می توانیم از را تحول اجتهاد بگوییم روایاتی که ملاک بلوغ را در نه سالگی دانسته اند، نظر به دختران آن زمان دارد، نه به آنهایی که در زمان های بعدی می آیند؛ به عبارت دیگر نه سالگی برای حاصل شدن بلوغ موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد و در آن زمان که نه سال گفته شد، از باب تعیین مصداق بوده است، پس معیار برای پیدایش بلوغ، عادت ماهانه است.<sup>۲</sup>
- ۵- در صورت عدم پذیرش دلایل فوق باید گفت که دلیل عامّی که نه سال تمام قمری را مرحله ی بلوغ دانسته و دختر را در این سن نسبت به تمام تکالیف مانند اقامه ی حدود، تصرف در اموال، خروج از کودکی، نظر دادن در امر ازدواج، وجوب روزه، زکات، نماز و ... بالغ شمرد، وجود ندارد.<sup>۳</sup>
- ۶- اگر گفته شود نه سالگی مرحله ی بلوغ تمام تکالیف است، در این صورت با ادله ای که سیزده سالگی را معیار بلوغ می داند، معارض خواهد بود که در این

۳- همان، ص ۱۳.

۴- مهدی مهریزی، پیشین، ص ۱۷۶.

۱- همان، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۲- محمد ابراهیم، جنّاتی، «نظریه ی تحول شریعت با تحول زمان سن بلوغ دختران»، مجله فرزانه، دوره دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۷۴ به نقل از مهدی مهریزی، همان، صص ۲۶۹ و ۲۷۰.

۳- مهدی، مهریزی، همان، صص ۱۸۶ و ۱۹۷.

صورت یا باید از هر دو دسته از روایات دست برداشت و یا در انتخاب یک دسته از آن، مخیر بود.<sup>۱</sup>

۷- اگر ادله سابق مورد پذیرش نباشد، در این صورت اصول چهار گانه ی عدم تکلیف، برائت، استصحاب و تأخر حادث اقتضا دارد که نه سال تمام قمری را در فرض شک، در دختران علامت بلوغ ندانیم.<sup>۲</sup>

۸- تحقیقات تجربی نشان می دهد که بروز نشانه های طبیعی بلوغ در دختران بستگی کامل به آب و هوای منطقه زندگی آن ها، تغذیه و ... دارد. بنابراین با توجه به تحقیقات مذکور و آمارهای موجود نسبت به دختران ایرانی که میانگین سن بلوغ را در آن ها، سیزده سالگی را نشان می دهد،<sup>۳</sup> باید گفت سن نه سال تمام قمری به عنوان اماره ی بلوغ برای دختر ایرانی که در تبصره ی یک ماده ۱۲۱۰ ق.م.د دیده می شود، سن مناسبی نبوده و با شرایط اقلیمی و طبیعی و اجتماعی ایران کمتر مطابقت دارد و شاید به این جهت بوده است که قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سن مشخصی را برای بلوغ بیان نفرموده اند.

۹- قراین دیگر مانند جهانی بودن دین اسلام، اختلاف بلوغ زنان ناحیه های مختلف جهان که آمارهای موجود نیز درستی آن را تأیید می کند،<sup>۴</sup> دلالت بر این دارد که شارع مقدس، بر سن خاصی، به عنوان اماره تعبّدی نظر نداشته است.<sup>۵</sup>

با وجود تمامی ادله ی مزبور، باز هم فتوای بسیار از فقهای معاصر با قدمای از فقها یکی است و سن بلوغ دختران را، پایان نه سال قمری می دانند.

یکی از فقهای معاصر در بیان فتوای خود در تحدید سن بلوغ دختران به نه سال تمام قمری ابراز می دارد:

قانون باید بدون عسر و حرج بوده وقابل تشخیص باشد؛ در غیراین صورت در عمل، قانون معطل مانده و مشکلاتی را برای جامعه به وجود خواهند آورد. بر این اساس نمی توان ملاک بلوغ را در دختران حیض را و در پسران احتلام دانست؛ چرا که قوانین اجتماعی اسلام، جهانی است و تا قیامت هم باطل نمی شود و در صورتی که حیض و احتلام ملاک قانون گذاری در مسائل اجتماعی و قوانین حقوقی و کیفری قرار گیرد، به صورت یک قانون غیر قابل تشخیص در آمده و عسر و حرج را به دنبال خود خواهد داشت و نمی تواند میزان عمل قرار گیرد. مثلاً در پسر و دختری که مرتکب جرم شده اند و بلوغ آن ها مشکوک است، آیا می

<sup>۱</sup> - همان ص ۱۹۷.

<sup>۲</sup> - سید محمد جواد، غروی اصفهانی، « رساله ی بلوغ »، مهدی، مهریزی، (گرد آورنده)، همان، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

<sup>۳</sup> - به جدول های شماره یک و دو در آخر مقاله رجوع شود.

<sup>۴</sup> - به جدول شماره ی سه در آخر مقاله رجوع شود.

<sup>۵</sup> - مهدی، مهریزی، پیشین، ص ۱۸۴.

توان آن‌ها را بلا تکلیف نگه داشت، تا مشخص شود که محتلم یا حیض می‌شوند یا خیر؟ و اساساً چگونه و از چه راهی می‌توان حیض و احتلام را در آن‌ها معلوم نمود؟ برای همین است که در روایات بر روی سن نه سال تمام قمری به عنوان اماره ی بلوغ دختران، پا فشاری و تأکید شده است.

روایاتی هم که در آن‌ها «حیض» ذکر شده است، منظور این است که استعداد و امکان عادت ماهانه در دختران در نه سالگی ایجاد می‌شود؛ یعنی مراد حیض بالقوه و بالاستعداد و نه حیض بالفعل؛ چرا که اگر حیض بالفعل مراد باشد، مستلزم این است که اگر تا بیست سالگی هم فرزند دختر عادت نشد، باید او را از این جهت بالغ ندانسته و مکلف ندانیم و احکام حقوقی و کیفری را بر او حمل نکنیم و اگر استعداد و آمادگی عادت را ملاک قرار دهیم، آن وقت لازم است که سن خاصی را برای آن در نظر بگیریم و از آن جایی که نمی‌توان سن منطقه خاصی را در نظر گرفت، به ناچار باید سن متعارف را در نظر بگیریم و در این رابطه مانعی ندارد که شارع مقدس اسلام نه سال تمام قمری را مرز آمادگی قرار دهد تا دختران را زودتر به کنترل در آورد. و از آن جایی که مسئولیت‌ها بر اساس درک و شعور است و استعداد فکری دختران و درک و شعور آن‌ها و نیز عواطفشان زودتر از پسران بارور می‌شود، بنابراین در نظر شارع مقدس اسلام دختران زودتر از پسران به مرحله بلوغ می‌رسند.

در مورد تفاوت آب و هوای مناطق گرمسیر مانند عربستان با مناطق سردسیر و این که در مناطق گرمسیر دختران زودتر از مناطق سردسیر حیض می‌شوند، باید گفت که آیا متغیر بودن آب و هوای دو منطقه ی مزبور مختص به زمان ما می‌باشد و یا این که یکسان نبودن آب و هوای این دو منطقه در آن زمان نیز بوده است؟ پس چگونه است که نه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و نه از هیچ کدام از ائمه ی اطهار علیهم السلام در این باره خبری نرسیده است تا این گره را که ذهن امروزیان را به خود مشغول کرده است، باز کند؟! حقیقت امر این است که اگر بنا بود احکام اسلام به صورت قطعه قطعه باشد، مثلاً سن بلوغ را وابسته به محیط بدانیم و یا به هر قومی اجازه می‌دادند که با زبان خود نماز بخوانند و امثال این‌ها، در این صورت آیا چیزی به نام دین منسجم و یک-دست که در میان مسلمانان ایجاد اتحاد کند، باقی می‌ماند؟ از این جهت شارع مقدس برای سن بلوغ، میانگینی معین کرده تا در سراسر دنیا قابل اجرا باشد و حدود الهی در آن سن خاص بر افراد جاری گردد، حال اگر کسی در شرایط خاصی نتوانست خود را با آن مینگین وقف دهد، باید خود را بر شرع عرضه کند.

اگر گفته شود تعیین سن بلوغ دختران در نه سال تمام قمری، بلوغ زودرس است و باید میانگین سن بلوغ، بالاتر از نه سال قرار داده شود، باید گفت اولاً در برخی از نقاط، در زیر نه سال هم احیاناً به بلوغ جنسی می‌رسند. و ثانیاً تنها عامل زودرس جنسی مسائل جغرافیایی، از نظر

گرمسیری نیست و عوامل دیگری هم دخالت دارد. و چه بسا شارع اسلام می خواهد دختران را زود تر در کنترل قرار دهد تا بدین وسیله مسؤولیت هایی را بر عهده آنان بگذارد.<sup>۱</sup> در مورد عدم تحدید سن بلوغ دختران در قرآن کریم هم باید گفت که چه بسا مسائلی که تمامی مسلمانان بر وجوب آن اتفاق دارند و از مسائل روشن و بی -خدشه ی فقهی است، ولی در آیات قرآن با این که زمان حاجت آن بوده، بیان نشده است و بیان مطلب به عهده ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم واگذار شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز با گفتار یا عمل خویش، آن را برای مسلمانان روشن می فرمود. و اگر در مورد موضوع فوق روایتی از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم نداریم، باز دلیل بر پذیرش ادعای یاساد شده ی مخالف نظر مشهور بین فقهای سابق و معاصر نیست؛ زیرا با نگاه به تاریخ تدوین و نیز نقل حدیث و با توجه به باز داری از نگارش احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در سالیان طولانی، روشن می گردد که در موارد بسیاری، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به دست ما نرسیده و نیز از ایشان روایات زیادی از بین رفته است و بیان ائمه اطهار علیهم السلام نیز احیای سنت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم بوده است و نه بیان شریعتی جدید.

با توجه به کثرت روایات وارد از سوی ائمه ی اطهار علیهم السلام مبنی بر بالغ دانستن دخترانی که نه سال قمری آن ها پایان یافته و نیز برتری ادله ی طرف داران قول مزبور نسبت به ادله ی سایر اقوال، به نظر می رسد که در مسأله تعیین بلوغ سنی دختران، حق با معظم فقهای سابق و معاصر امامیه است و باید دختران را در پایان نه سال قمری بالغ دانست و تحدید سن آن ها را به این مقدار، یک امر تعبّدی و شرعی به حساب آورد و نباید در این امر بر نشانه های طبیعی و تکوینی بلوغ در دختران تکیه نمود تا بدین وسیله بلوغ آنان مشخص شود. لازم به ذکر است که رجحان قول مشهور در مسأله بلوغ سنی دختران، نباید باعث این توهم شود که التزام به این قول، سبب ایجاد پاره ای از مشکلات برای دختران خواهد شد؛ چرا که در امور مالی، زمانی دختران از حجر خارج و دارای اهلیت استیفا خواهند شد که افزون بر بلوغ، رشد آنان نیز احراز گردد و قبل از احراز رشد، بر طبق تبصره دو ماده ۱۲۱۰ ق. م. نمی توان اموالشان را به آنان تحویل داد. بنابراین اجتماع بلوغ و رشد در دختران از ضرر احتمالی آنان جلوگیری می کند. و اما در امور غیر مالی مدنی مانند ازدواج گذشته از این لحاظ شرعی، علاوه بر بلوغ سنی و رشد عقلی، رشد جسمانی نیز در دختران لازم است،<sup>۱</sup> از لحاظ حقوقی هم می توان با تصویب مقررات تازه و یا احیای مجدد ماده ۱۰۴۱ پیشین قانون مدنی از

<sup>۱</sup> - محمد علی، گرامی، « پژوهشی در بلوغ دختران »، کیهان اندیشه، شماره ی ۶۶، (خرداد و تیر ۱۳۷۵) به نقل از مهدی مهریزی، پیشین، صص ۳۶۸-۳۷۷.

<sup>۱</sup> - ناصر، مکارم شیرازی به نقل از مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، پیشین، صص ۲۱۵ و ۲۱۸.

ازدواج های زود رس جلوگیری کرد و بدین وسیله مشکلات فراوان به وجود آمده از این گونه ازدواج ها را از بین برد .

احیای مجدد ماده ۱۰۴۱ پیشین قانون مدنی اگر چه منطبق بر احکام اولیه نیست ولی می توان آن را بر طبق احکام ثانویه پذیرفت . اساساً بر طبق نظر بسیاری از فقهای معاصر با پیدایش ضرورت و اضطرار و یا وجود مانع موقت ، ولی فقیه می- تواند جلوی اجرای حکم را بگیرد ، هر چند که با محدود و یا ممنوع شدن حکم ، نمی- توان آن را ابطال نمود .<sup>۲</sup> و اما در امور عبادی از آن جایی که قدرت از شرایط عامه ی تکلیف می باشد ، از این رو انجام تکالیف در صورت عدم قدرت بر زن واجب نخواهد بود و بدین جهت نه تنها تقدم زن در تشرف به تکلیف مشکلی برای وی ایجاد نخواهد کرد بلکه توفیقی از ناحیه ی خداوند تبارک و تعالی برای زن هم خواهد بود که دوران شش ساله تقدم در تشرف به تکلیف را مغتنم بشمارد ولذا حضرت امیرعلیه السلام در وصف زن خطاب به امام مجتبی علیه السلام می فرماید « فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٌ »<sup>۳</sup>

#### جدول شماره ی ۱

درباره بررسی سن شروع قاعدگی دختران دبیرستان های تهران

سن قاعدگی	فراوانی (تعداد)	در صد
۹-۹/۹۹	۳	۰/۷۸۷
۱۰-۱۰/۹۹	۲۰	۵/۲۴
۱۱-۱۱/۹۹	۵۱	۱۳/۳
۱۲-۱۲/۹۹	۱۴۳	۳۷/۵
۱۳-۱۳/۹۹	۱۰۶	۲۷/۸
۱۴-۱۴/۹۹	۳۴	۸/۹
۱۵-۱۵/۹۹	۵	۱/۳
۱۶-۱۶/۹۹	۱	۰/۲۶
قاعده نشده	۱۸	۴/۷
جمع	۳۸۱	۱۰۰

<sup>۱</sup> - سید علی ، خامنه ای به نقل از همان ، ص ۲۱۴ .

<sup>۲</sup> - سید عبدالکریم ، موسوی اردبیلی به نقل از همان ، ص ۲۱۵ .

<sup>۳</sup> - نهج البلاغه ، نامه ۳۱ .



جدول شماره ی ۲

درباره بررسی شروع قاعدگی در دانش آموزان آموزشگاه های بهیاری تهران

درصد	فراوانی (تعداد)	سن قاعدگی
۱	۴	۹-۹/۹۹
۰/۷۵	۳	۱۰-۱۰/۹۹
۳/۳۴	۱۳	۱۱-۱۱/۹۹
۱۲/۲۲	۴۹	۱۲-۱۲/۹۹
۱۹/۷۰	۷۹	۱۳-۱۳/۹۹
۲۵/۴۴	۱۰۲	۱۴-۱۴/۹۹
۱۸/۷۰	۷۵	۱۵-۱۵/۹۹
۹/۴۸	۳۸	۱۶-۱۶/۹۹
۲/۷۴	۱۱	۱۷-۱۷/۹۹
۶/۷۳	۲۷	ذکر نشده
۱۰۰	۴۰۱	جمع

Archive of SID

جدول شماره ۳

درباره سن شروع قاعدگی زنان کشورهای مختلف<sup>۱</sup>

میانگین سن اولیه قاعدگی	سال اجرای تحقیق	کشور	قاره
غنی ۱۲/۵	۱۹۶۲	هنگ کنگ	آسیا
متوسط ۱۲/۸			
فقیر ۱۳/۳			
۱۳/۲	۱۹۵۷	برمه و آسام	
کلمبو ۱۲/۸	۱۹۵۰	سیلان	
روستا ۱۴/۴			
مدرس ۱۲/۸	۱۹۶۵	هندوستان	
روستا ۱۴/۲			
۱۴/۱	۱۹۶۰	نیجریه	آفریقا
۱۳/۴	۱۹۶۰	کامپالا	
۱۵/۰	۱۹۵۸	آفریقای جنوبی	
۱۳/۴	۱۹۵۲	نروژ	اروپا
۱۳/۹	۱۹۵۱	سوئد	
۱۳/۸	۱۹۵۰	دانمارک	
۱۳/۷	۱۹۵۶	هلند	
۱۳/۵	۱۹۵۶	سوئیس	
۱۳/۱	۱۹۵۹	انگلستان	
۱۲/۸	۱۹۵۹	مجارستان	
۱۳/۰	۱۹۶۵	بلغارستان	
۱۳/۰	۱۹۶۵	شوروی	
۱۲/۵	۱۹۶۰	ایتالیا	
سیاه ۱۲/۳	۱۹۶۳	کوبا	آمریکا
سفید ۱۲/۱			
۱۲/۶	۱۹۵۵	ایالات متحده	

<sup>۱</sup> - مهدی مهریزی ، بلوغ دختران ، پیشین ، صص ۱۳۴ و ۱۳۵ .

**منابع:**

- الف ( کتاب ها
- ۱ - فارسی
- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- اراکی ، محمد علی ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، مرکز انتشارات دفتر. تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۲.
- ۴- امامی ، سید حسن ، حقوق مدنی ، ج ۱ ، تهران ، کتابفروشی اسلامیة ، ۱۳۷۶.
- ۵- \_\_\_\_\_ ، حقوق مدنی ، ج ۵ ، تهران ، کتابفروشی اسلامیة ، ۱۳۷۶.
- ۶- بهجت ، محمد تقی ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، دفتر معظم له ، ۱۳۷۵.
- ۷- تبریزی ، جواد ، رساله ی توضیح المسائل ، بی جا ، دفتر نشر برگزیده ، ۱۳۷۵.
- ۸- شهیدی، مهدی ، تشکیل قراردادها و تعهدات ، ج ۱، تهران ، مجد ، ۱۳۸۰.
- ۹- \_\_\_\_\_ ، حقوق مدنی ۳ : تعهدات ، تهران ، مجد ، ۱۳۸۰.
- ۱۰- صافی گلپایگانی ، لطف الله ، جامع الاحکام ، ج ۱، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها ، ۱۴۱۸ هـ. ق .
- ۱۱- صانعی ، یوسف ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، انتشارات میثم تمار، ۱۳۷۷.
- ۱۲- صفایی ، سید حسین و اسد الله امامی ، حقوق خانواده ، ج ۱، تهران ، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۷۵.
- ۱۳- صفایی ، سید حسین و سید مرتضی قاسم زاده ، حقوق مدنی : اشخاص و محجورین ، تهران ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها - سمت ، ۱۳۷۸.
- ۱۴- (علامه) طباطبائی ، سید محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۱ ، سید محمد باقر موسوی همدانی ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، بی تا .
- ۱۵- فاضل لنکرانی ، محمد ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، مهر ، ۱۳۷۵.
- ۱۶- کاتوزیان ، ناصر ، حقوق مدنی : قواعد عمومی قرار داد ها ، ج ۲، تهران ، شرکت سهامی انتشار ، ۱۳۷۹.
- ۱۷- گرامی ، محمد علی ، رساله ی توضیح المسائل ، بی جا ، اعتماد ، ۱۳۷۴.
- ۱۸- مرعشی شوشتری ، سید محمد حسن ، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۷۶ .
- ۱۹- مرعشی نجفی ، سید شهاب الدین ، توضیح المسائل جدید ، قم ، کتابخانه عمومی معظم له ، ۱۳۶۷.
- ۲۰- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی ، ج ۱، قم ، مرکز تحقیقات فقهی ، ۱۳۸۱.
- ۲۱- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۳ ، تهران ، دار الکتب الاسلامیة ، ۱۳۸۰.

- ۲۲- \_\_\_\_\_ ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ، ۱۳۷۸ .
- ۲۳- موسوی اردبیلی ، استفتائات ، ج ۱ ، بی جا ، انتشارات نجات ، ۱۳۷۷ .
- ۲۴- موسوی گلپایگانی ، سید محمد رضا ، توضیح المسائل ، قم ، دارالقرآن الکریم ، ۱۳۷۲ .
- ۲۵- مهریزی ، مهدی ، بلوغ دختران ، قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۶ .
- ۲۶- نوری همدانی ، حسین ، رساله ی توضیح المسائل ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۵ .
- ۲۷- وحید خراسانی ، حسین ، توضیح المسائل ، قم ، مدرسه الامام باقر العلوم علیه- السلام ، ۱۳۷۸ .

## ۲ - عربی

- ۲۸- آل کاشف الغطاء ، محمد حسین ، تحریر المجله ، ج ۳ ، قم و تهران ، مکتبه الفیروزآبادی و مکتبه النجاج ، ۱۳۶۱ هـ . ق .
- ۲۹- ( المقدس ) الاردبیلی ، مجمع الفائده و البرهان ، ج ۹ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۳۰- ( العلامة الحلی ) الاسدی ، الحسن بن یوسف ، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان ، ج ۱ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۰ هـ . ق .
- ۳۱- \_\_\_\_\_ ، تذکره الفقهاء ، ج ۱ ، قم ، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، لاحیاء التراث ، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۳۲- \_\_\_\_\_ ، قواعد الاحکام ، ج ۲ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۸ هـ . ق .
- ۳۳- \_\_\_\_\_ ، مختلف الشیعۀ فی احکام الشریعۀ ، ج ۵ ، قم ، مکتب الاعلام الاسلامی ، ۱۴۱۶ هـ . ق .
- ۳۴- الانصاری ، مرتضی ، کتاب الصوم ، قم ، لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم ، ۱۴۱۳ هـ . ق .
- ۳۵- البحرانی ، یوسف ، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة ، ج ۲۰ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، بی تا .
- ۳۶- الحسینی العاملی ، السید محمد جواد ، مفتاح الکرامۀ ، ج ۵ ، بیروت ، داراحیاء التراث العربی ، بی تا .
- ۳۷- ( ابن زهره ) الحلبی ، السید حمزه بن علی بن زهره ، غنیة النزوع ، قم ، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام ، ۱۴۱۷ هـ . ق .
- ۳۸- ( ابن فهید ) الحلی ، احمد بن محمد بن فهید ، المهذب البارع ، ج ۲ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۱ هـ . ق .
- ۳۹- ( ابن ادريس ) الحلی ، محمد بن ادريس ، کتاب السرائر ، ج ۱ ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق .

- ۴۰- (المحقق) الحلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- ۴۱- \_\_\_\_\_، المختصر النافع، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- ۴۲- الخوانساری، السيد احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ هـ. ق.
- ۴۳- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۴۴- السبزواری، محمد باقر، کفایه الاحکام، قم، مهر، بی تا.
- ۴۵- (الفاضل المقداد) السیوری، جمال الدین المقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، محمد باقر البهبودی، تهران، المكتبه المرتضویه، بی تا.
- ۴۶- الطباطبائی، السيد علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۵، بیروت، دار الیهادی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۴۷- (العلامه) الطباطبائی، السيد محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، قم، منشورات مؤسسه جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا.
- ۴۸- \_\_\_\_\_، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، قم، منشورات مؤسسه جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا.
- ۴۹- الطباطبائی الحکیم، السيد محسن، منهاج الصالحین، ج ۲، السيد محمد باقر الصدر (المحشی)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ. ق.
- ۵۰- الطبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۵۱- الطوسی، محمد بن الحسن، تفسیر البیان، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۵۲- \_\_\_\_\_، کتاب الخلاف، ج ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ هـ. ق.
- ۵۳- \_\_\_\_\_، البسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، السيد محمد تقی الکشفی، تهران، المكتبه المرتضویه، بی تا.
- ۵۴- (الشهید الثانی) العاملی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۵۵- \_\_\_\_\_، مسالک الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۴، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۵۶- (الشهید الاول) العاملی، محمد بن جمال الدین، اللمعه الدمشقیة، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

- ۵۷- الفیض الکاشارنی ، محسن ، تفسیر الصافی ، ج ۱ ، حسین الاعلمی ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، ۱۴۰۲ هـ . ق .
- ۵۸- ( المحقق ) الکرکی ، علی بن الحسین ، جامع المقاصد فی شرح القواعد ، ج ۵ ، بیروت ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث ، ۱۴۱۱ هـ . ق .
- ۵۹- ( الامام ) الموسوی الخمینی السید روح الله ، تحریر الوسیله ، ج ۲ ، قم ، مؤسسه النشر اسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق .
- ۶۰- الموسوی الخوئی ، السید ابوالقاسم ، منهاج الصالحین ، ج ۲ ، قم ، مدینه العلم آیه الله العظمی السید الخوئی ، ۱۴۱۰ هـ . ق .
- ۶۱- الموسوی السبزواری ، السید عبد الأعلى ، جامع الاحکام الشرعیه ، قم ، مؤسسه المنار ، بی تا .
- ۶۲- النجفی ، محمد حسن ، جواهر الکلام فی شرح الشرائع ، ج ۲۶ ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۹۴ هـ . ق .
- ۶۳- ( الفاضل الآبی ) الیوسفی ، حسن بن ابی طالب ، کشف الرموز ، ج ۱ ، مؤسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۷ هـ . ق .
- ب) مقاله ها**
- ۶۴- گرامی ، محمد علی ، « پژوهشی در بلوغ دختران » ، کیهان اندیشه ، شماره ی ۶۶ ، خرداد و تیر ۱۳۷۵
- ۶۵- موسوی بجنوردی ، سید محمد ، « سن بلوغ دختران » ، مجله فرزانه ، دروه دوم ، شماره ی ۶ ، بهار ۱۳۷۴ .
- ج) لغت نامه ها**
- ۱- فارسی**
- ۶۶- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، ج ۴ ، تهران ، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۷۷ .
- ۶۷- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، ج ۱ ، تهران ، مؤسسه انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۷۵
- ۲- عربی**
- ۶۸- ابن منظور ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، ج ۱ ، بیروت ، دار صادر ، ۱۹۹۷ میلادی .
- ۶۹- المقرئ الفیومی ، احمد بن محمد ب علی ، المصباح المنیر ، ج ۱ ، قم ، مؤسسه دار الحجره ، ۱۴۰۵ هـ . ق .
- د) مجموعه قوانین و مقررات**
- ۷۰- قانون مدنی